info@payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۱۹۱۱

شنبه ۲۰/ شهریور/ ۱۴۰۰

۴ / صفر / ۱۴۴۲

11 / September / 2021

صاحب امتیاز موسسه همگامان اندیشه زمان

مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری

نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری

تلفن: ۲۲۵۲۳۲۸۸-۲۲۵۲۳۲۳۳-۰۲۶ فکس ۲۲۵۵۲۸۳۸

فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۲۹

امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۶

چاپ: کارگر

کافه ۴۴ امروز با حافظ

تو مگر بر لب آبی به هوس بنشینی
ور نه هر فتنه که بینی همه از خود بینی
به خدایی که تویی بنده بگزیده او
که بر این چاکر دیرینه کسی نگزینی

خواندنی

فضل است که سرمایه بزرگی است
علم است که بنیاد افتخار است

پروین اعتصامی

اول ترج اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۲۱	۰۶:۴۶	۱۳:۰۲	۱۹:۱۷	۱۹:۳۵

برگه

یا مشـــغول زندگی کـــردن باش یا مردن.

استفن کینگ

گزارش روز

قله‌های تهران را بشناسید

به معرفی چند قله در شهر تهران پرداختیم اما این نکته را بدانید که رفتن به این کوه‌ها نیاز به آمادگی جسمانی و وسایل حداقلی کوه‌پیمایی دارد.

به گزارش پیام آشـــنا به نقل از ایرنا: اگر از روزهای کروناپی کلافه شده‌اید و روز یا روزهای خالی در طی هفته یا آخر هفته دارید، یکی از بهترین گزینه‌های انتخابی شما برای پر کردن روزهای خالی کوه‌نوردی باشد. البته برای این برنامه می‌توانید حتی از شـــهر خارج نشوید و قله‌های که مسیر آن در شهر اسـت را انتخاب کنید. اما از طرفی می‌توانید کمی از شهر خارج شده و یک روز خوب داشته باشید و بتوانید بقیه هفتـــه را پر انرژی بگذرانید. در ادامه مطلب به معرفی چند قله در شهر تهران پرداختیم اما این نکته را بدانید که رفتن به این کوه‌ها نیاز به آمادگی جسمانی و وسایل حداقلی کوه‌پیمایی دارد.

شاه‌نشین

قله شاه‌نشین دومین کوه از نظر بلندی بین کوه های تهران به ارتفاع ۲۸۸۵ متر است. این قله بر روی خط الراس اصلی توچال قرار گرفته است. شاه نشین از طریق امام زاده داوود، شهرستانک، توچال، درکه و قله پلنگ چال قابل صعود است. در دسترس ترین مسیر این قله از طریق ایستگاه هفت تکه کابین توچال است. پس از رسیدن به محـــل تله کابین با گردش به ســـمت چپ و قرار گیری در مســـیر جاده خاکی در مجاورت پیست به ســـمت غرب به یک گردنه کوچک خواهید رسید. با الهامه دادن این گردنه به سمت شرق و قرار گرفتن روی خط الارس پس از طی چند صد متر قله را صعود خواهید کرد.

سربازارک

قله سربازارک یکی از قله های تهران است که در سمت شرق قله شاه نشین و در امتداد خط الراس به ارتفاع ۳۸۴۰ متر است. می توانید با صعود قله شاه نشین به سمت این قله ادامه دهید. راه دیگر برای صعود به این قله نیز از طریق گردنه اشترگردن است. برای دســـتیابی به گردنه اشترگردن نیز راههای چندی وجود دارد که یکی از این مســـیرها از طریق درکه و پناهگاه پلنگ چال است.

سیاه‌بند

ســـیاه بند بعد از قله درآباد قرار دارد. پس از گذر از یک قســـمت تیغه ای در پس از قله درآباد حدود دو کیلومتر جلوتر می‌توان به قله سیاه بند به ارتفاع ۳۲۲۰ متر دست یافت. مســـیر صعود به قله در زمســـتان نیازمند دقت زیاد در عبور از قســـمتهای تیغه ای است. مسیر دیگر دســـترسی به این قله نیز از روستائی حاجی آباد و اوشان است.

لزون (پیازچال)

قله لـــزون به ارتفاع تقریبـــی ۳۵۰۰ متر، شامل لزون غربی و شرقی روی خط الراس اصلی توچال در بیـــن قله درآباد و توچال قرار گرفته اند. بهترین مسیر دســـترسی به این قلل از طریق اردوگاه کلکچال ، گردنه اســـپیلت و ســـپس تراورس از پشت قله کلکچال به سمت گردنه پیازچال است. پس از دســـتیابی به گردنه پیازچال این مسیر از طریق مســـیری به شیب نسبی زیاد به قله لزون خواهد رســـید. تراورس پشت قله کلکچال در فصل زمســـتان به دلیل خطر بهمن امکان پذیر نیست.

اسپیلت

قلـــه ۴۱۰۰ متـــری در شـــمال منطقـــه بندیخچال و بـــالای دیواره بند یخچال که این روزها گاها با عنوان دیواره شـــرونین نیز خوانده می‌شود. عمومی ترین مسیر برای رفتن به قله اسپیلت مسیر کلکچال است که از پارک جمشـــیدیه آغاز شده و با رسیدن به پناهگاه به سمت گردنه اسپیلت (گردنه کلک چال) ادامه پیدا می‌کند. با رسیدن به گردنه کلک چال در سمت جنوب گردنه قله اسپیلت به شکل یک توده سنگی خودنمایی می کند. مسیرهای دیگر صعود به اسپیلت شامل گرده اسپیلت، دیواره شروین هســـتند که فنی تر بوده و نیاز به دست به سنگ یا صعود چند طول طناب دارند.

کماچال

یکی دیگر از کوه های تهران با ارتفاع ۳۰۵۰ متر که از مسیر ولنجک ، بام تهران قابلیت صعود دارد. دو مسیر در اینجا برای صعود به قله موجود اســـت. یک مســـیر از روی یال قلـــه امتداد پیدا کـــرده و در نزدیکی پارکینگ ولنجک و جنب ایستگاه اتوبوس آغاز می‌شود. مسیر دیگر هم از طریق مسیر جاده خاکی تله کابین امتداد می یابد. در این مســـیر بعد از گذر از ایســـتگاه دو تله کابین و به ســـمت ایستگاه پنج بایست در نزدیکـــی قله از جاده خارج شـــده و قله را صعود نمایید.

دو شاخ

این کوه به ارتفاع ۳۰۴۰ متر در منطقه درکه قرار دارد. مسیرهای صعود به دوشاخ شامل میدان درکه -کلرا، جاده فرحزاد و قله چین کلاغ می باشد. متداول ترین مسیر صعود به دوشاخ نیز مسیر درکه-کلرا است. پس از شروع حرکت از میدان درکه و پیمایش تد دو راهی کلرا، مسیر به ســـمت چپ و آبشار کلرا تغییر میکند. پس از ورود به این مسیر می توان تا گردنه بین چین کلاغ و دوشاخ به پیش رفت و سپس روی گردنه با گردش به سمت راست، مسیر صعود به قله دوشاخ را از بین سنگهای زیر قله ادامه داد.

بندعیش

قله ای بسیار زیبا و یکی دیگر از کوه های تهران به ارتفاع ۲۷۷۰ متر در شمال غرب شهر تهران می باشد که در شمال مناطق کن، شهران و حصارک کن واقع شده است. مسیرهای دســـترسی به بندعیش از این قرار است: مســـیر جنوبی از حصارک و دره دو چناران. مسیر غرب از سولقان و سپس دره ای عمیق که در انتها به قله ختم میشود. مسیر شـــمالی از جاده امام زاده داود و دره منتهی به رندان میباشـــد. مسیر شرقی و شمال شرقی شامل یک راه پاکوب است که از غرب امام زاده داود به سمت قله میرود. مسیر جنوبی یا حصارک مسیر اصلی صعود به قله اســـت کـــه دو راه دارد و بعد از طی مسافتی این دو راه به هم میرسند.

اشاره

۷ خوراکی گیاهی را برای تعادل سطح کلسترول فراموش نکنید!

لیپوپروتئین یا چگالی پایین یا همان کلسترول بد، خطر گرفتگی شریان ها و افزایش خطر ابتلا به حمله قلبی و سکته مغزی را افزایش می دهد. پژوهش ها نشان می دهد که با کاهش یک واحد ســـطح ای دی ال خطر بروز بیماری های قلبی عروقی ۱ تا ۲ درصد کمتر می‌شود.

به گزارش پیام آشنا: کلسترول بالا می تواند ناشی از عوامل بسیاری از جمله ژن، چاقی و عدم ورزش باشـــد با این حال اتخاذ یک شیوه غذایی مناسب می تواند سطح آن را کاهش دهد.

لوبیا

سیب

آجیل و دانه ها

جو دو سر

چای سبز

گریپ فروت

استرول های گیاهی

منبع: everydayhealth

قابل توجه

خانه‌ای که با ۲ هزار کاغذ نامه ساخته شد

مجله مهر در سال مرگ جلال آل احمد با نگاهی به نامه‌نگاری‌های او و همسرش به جریان ساخت بنایی که حالا «خانه موزه جلال و سیمین» است می‌پردازد

به گزارش پیام آشـــنا به نقل از مجله مهر، قبل از اینکه گزارش را شروع کنیم بهتر است یک حقیقت جالب را با شما در میان بگذاریم. جالب است بدانید که بر اساس آمار، از هر ۶۶۷ ایرانی یک نفر نویسنده است! این تازه آمار کسانی است که کتاب منتشر شده دارد و اگر بخواهیم نویسندگان بدون کتاب را هم دخیل کنیم که باید به همان جمله معروف رجوع کنیم: در ایران همه نویسنده‌اند مگر اینکه خلافش ثابت شود! حالا این را بگذارید کنار سرانه مطالعه پایین در کشـــور و تعداد ناشرهایی که روز به روز بیشـــتر می‌شوند و نویسندگان زیادی که پاتصد نسخه کتابشان را با هزینه شخصی خودشان چاپ می‌کنند که اهل کتاب شـــوند و... ! جلال آل احمد بی شـــک یکی از مهمترین نویسندگان ایرانی اســـت. رضا امیرخانی با تکیه بر جمله معروفی که نویسندگان روسی درباره نیکلای گوگـــول می‌گویند که: «همه ما از زیر شـــنل گوگول بیـــرون آمدیم»، درباره جلال آل احمد می‌گوید: «همه ما فرزنـــدان زن زیادی جلال هستیم» («شـــنل» از آثار گوگول و «زن زیادی» از آثار جلال آل احمد است) داشتن یک نویسنده خوب که بشود به آن افتخار کرد، در جامعه‌ای که از هر ۶۰۰ نفرش یک نفر نویسنده دارد و سرانه مطالعه در آن بســـیار پایین اســـت، چیزی است که باید به آن افتخار کرد و قدرش را دانســـت. یکی از مظاهر قدر دانستن هم همین اهمیتی است که به ســـبک زندگی معمولی این نویسنده و همسر نویسنده‌اش «ســـیمین دانشور» داده‌اند. مثل همین تابلویی که حالا کنار در ورودی خانه قدیمی‌شان در محله دزاشیب تهران نصب شده: «خانه موزه سیمین و جلال»

خانه قدیمی جلال آل احمد و سیمین دانشور حالا موزه‌ای است که هنوز حس و حال زندگی این دو نویسنده عاشق در آن جریان دارد. هنوز وقتی کنار اتاق پذیرایی این خانه می‌ایســـتی، صدای خنده نیما یوشیج و سید موسی صدر را در یک بعد از ظهر جمعه می‌شنوی. هنوز وقتی در اتاق کار ســـیمین دانشور می‌ایستی، نفس کشیدن شخصیت‌های «ســـووشون» را از درزهای میز چوبی قدیمی‌اش حس می‌کنی وقتی جلال آل احمد این خانه را می‌ساخت، سیمین دانشور ایران نبود. دو سال از زندگی‌شان گذشته بود و سیمین برای ادامه تحصیل به عنوان اولین ایرانی دانشجوی داستان‌نویسی به خارج از کشور رفته بود و جلال داشت طرح و نقشه ساخت این خانه در محله دزاشیب را می‌ریخت. در تمام طول مدتی که ایـــن دو از هم دور بودند، هفته‌ای دو سه نامه برای هم نوشتند و ماحصل حدود یک سال دوری شد دو هزار و چند کاغذ نامه! که حالا به همت انتشارات نیلوفر تبدیل به کتابی شده با نام «نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد». نامه‌هایی که شاید نویسندگان‌شان هیچ وقت با خود فکر نمی‌کردند که روزی قرار است کتاب شود و در کتاب‌فروشی‌ها فروخته شود و همه مردم بخوانندش. همان‌طور که شاید هیچ وقت فکر نمی‌کردند خانه معمولی‌شان در دزاشیب تبدیل به موزه‌ای شود که روزانه مردم معمولی

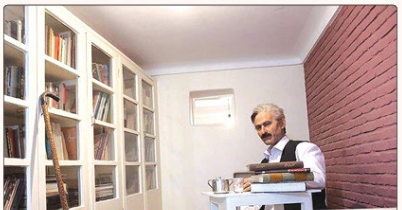

زیر سقف آن نفس بکشند. نقشه این خانه طی همین نامه‌نگاری‌ها بین جلال و سیمین ریخته شد. سیمین پیشنهاداتش برای ساخت خانه را مو به مو در نامه‌هایـــش می‌گفت و جلال هم قدم به قدم پیشـــرفت کار ساخت خانه را برای همسرش می‌نوشت.

در ادامه گزارش بخشی از یکی از نامه‌های جلال آل احمد به ســـیمین دانشـــور را می‌خوانید:

«ســـاختمان را در گوشه شـــمال غربی زمین خواهم کـــرد از دو نظر: یکی از این نظر که دو دیوار صرفه‌جویی خواهد شد (نزدیک به دهمتر آجر) و دیگر از این نظر که به قول مهندس‌های ســـاختمان نور شرق خیلی مفیدتر از نور غرب است و اگر در شـــمال غربی بسازیم، هم از شرق و هم از غرب نور خواهیم داشت. گذشته از اینکه در ضلع شـــمال غربی از دو طرف کوچه است و می‌شـــود پنجره هم به کوچه گذاشت و نور گرفت و ساختمانی روبروی پنجره نخواهد بود که نور را بگیرد. در صورتی که ضلع شرقی این خطر هست. این از این اساس ساختمان بر این است (گرچه نقشه آخری هنوز تنظیم نشده و با اینکه بی‌اغراق تا به حال خودم بیش از دویست نقشه کشـــیده‌ام، هنوز منتظر تصمیم آخری هستم که نقشه‌های تو هم که بر سد تکمیلش می‌کند) که در کوچه تـــوی یک هال ۴×۴ باز شـــود. دست راســـت یا چپ هال. آشپزخانه و مستراح (که حمام و روشویی هم توی آن است) باشد. آشپزخانه و مستراح باید پهلوی هم باشد که تهیه‌ی آب گـــرم و اصولاً گرم کردن حمام مهیاتر و آسان‌تر خواهد بود. از خود این هال هم به عنـــوان ناهارخوری هم به عنوان اتاق خنک تابستان اســـتفاده می‌کنیم. در کوچه را هم در کوچه شمالی زمین خواهم گذارد. بعد روبروی در کوچه یک اتاق بزرگ ۵/۵×۴/۵ یا ۶×۴ خواهد بود برای نشیمن و کار و مهمانخانه رو به هم و بغل آن هم یک اتاق خـــواب به طول و عرض ۴/۵×۳/۵ و همین والبته جلوی اتاق مهمانخانه یا خواب هم ایوانی خواهد بود برای بهارخواب. حداکثر هـــشتاد متر زیربنا خواهم گذارد و به این صورت با دیوار اطراف زمین ده دوازده هزار تومان خرج خواهد داشت. طاق عمارت شیروانی دو پوش خواهد بود و در اتاق‌ها یک لت و توی دیوارها پر از گنجه برای ظرف و لباس و کتاب و غیره که دیگر این مزن در دمها را به عنوان بوفه و کمد و کتابخانه به دور بریزیم. و در گوشـــه شمال شرقی یک اتاق کوچک برای کلفت یا نوکر و در گوشه‌ی جنوب غربی هم جای گاراژ که بعد ساخته خواهد شد. پنجره‌های ساختمان بزرگ و آفتاب‌گیر. و یک عرض دراز بلند کنار ساختمان. و بقیه‌ی زمین برای درخت و باغچه و غیره. البته این نقشـــه‌ای که داده‌ام نقشه‌ی اصولی است. جزئیات آن را معینی رفته است روی ورقه بیاورد و دقیق نقشه بکشد. وقتی آورد. کیپه‌ای از آن برایت خواهم فرستاد که نظر بدهی. آشپزخانه را فور خواهم گذارد که با زغال سنگ بسوزد. چون ارزان‌تر است و اگر توانستم وسیله‌ای تهیه کنم خطرناک است و اولی مطمئن‌تر است. و فور که با زغال بسوزد حمام را و آب را گرم می‌کند و زیر شیروانی و طاق آشپزخانه و حمام هم انبار خوبی خواهد بود.»

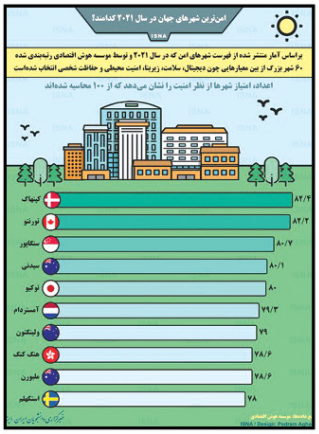

داستانک

کت تک

ریحان ستوده

این نور های بنفش ولّی نی‌وُن بدجور قشـــنگ است حالم را جا می آورد ولی نه خیلی امروز نه سال و پنج ماه و سه روز می شود که به این شیشه چســـبیده ام و پشتم به همه لباس ها و رویم به مردم این شهر است.

نه ســـال وپنج ماه پیش بود که قـــرار بود در تن دامادی بدرخشم به سفیدی برف بودم. اما نفهمیدم چه شد آخرشـــب. یک نور زیادی رویم تابید و گرمی خون روی تارویود سفیدم جاری شد وســـه روز بعدش مرا به خشک شویی عباس همدانی سپردند عباس همدانی خیلی خسیس است در این نه سال وچند ماه بالای یازده کارگر عوض کرده.

هردفعه یک جوان جدید رویم میایستد و پش پش شوینده روی شیشه جلویم میپاشد و پاک میکند.

بعد از پش پش همه شان از من میپرسند و عباس همدانی از سیر تا پیاز شوهر بتول بیوه شده را تعریف میکند برایشان.

بتول نه سال پیش هم که عروس شد خیلی دختر قشنگی نبود دست هایش رنگ پریده ودو رنگ بودمثل لباس های آفتاب سوخته شده. بتول صبح ها از خانه بیرون می آید. چند دقیقه ای را جلوی من رویه روی خیابان گریه میکند و بعد دماغش را با آستینش پاک میکند و چادر سیاهش را روی صورتش میکشد ومیرود.

بتول تنها ســـت شبیه من.

امروز صبح هوا بارانی بود بتول نیامد من خیلی صبح منتظر بودم بتول بیاید اما نیامد.

طرف های ظهر صدای جیغ زن های همسایه بلند شد عباس همدانی از جلویم رد شد یک دستمال چرک یزدی جلوی صورتش بود داشت گریه میکرد یکهو آمد. شنیدم که به ســـمتم نزدیک میشود مرا از شیشه جدا کرد. رفتیم به ســـمت آمبولانســـی که رویش نوشته بود اتالیه راجعون عباس همدانی مردم را کنار زدنیا لون روی مرا برداشت وقتی از چوب کار مرا چرخاند بتول را دیدم که دراز به دراز افتاده بود با چشم های بسته مرا گذاشت روی بتول وزیپ کاور سیاه را کشید تا بالا صدا قطع شد نورها

حالا دیگر نه من تنهام نه بتول.

رسانه چه خبر

واردات ۴۶.۶ میلیونی واکسن

گمرک ایران: از زمان ورود واکسن کرونا تا کنون بالغ بر ۴۶۶ میلیون دوز واکســـن وارد ایران شده است. براساس گزارش معاون فنی گمرک ایران، تعداد واکسن‌های وارداتی در شهریورماه بالاترین حد را نسبت به ماه های گذشته داشته است؛ به طوری که از بهمن پارسال تا به امروز بیشترین میزان حدود ۱۹ میلیون و ۹۹۷ هزار و ۱۹۶ دوز در حدود ۱۹ روز گذشته از شهریورماه وارد کشور شده است.

پیشنهاد افزایش وام خرید مسکن روی میز دولت

تسنیم: مدیرعامل بانک مســـکن از ارائه پیشنهاد افزایش وام خرید مسکن از محل اوراق حق‌تقدم به شورای پول و اعتبار خبر داد. محمود شایان مطرح کرد: این پیشنهاد توسط بانک مرکزی در حال بررسی است و امیدواریم شورای پول و اعتبار با افزایش سقف وام خرید مسکن از محل اوراق موافقت کند.

تزریق دز یادآور واکسن کرونا ضروری است

ایرنا: فوق تخصص ریه بیمارستان حضرت رسول اکرم(ص) گفت: تزریق دز یادآور (سوم) واکسن علیه کرونا ضروری است و حتی برخی واکسن ها نیز نیاز به دز چهارم هم دارند.

بزرگسالان مبتلا به اوتیسم در معرض ریسک بالای کووید۱۹ شدید

مهر: به گفته محققان، بزرگسالان مبتلا به اوتیسم، معلولیت فکری یا اختلالات روانی در معرض خطر بیشتر ابتلا به کووید۱۹ شدید قرار دارند.

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

مکث

در فضای غبارآلود مه‌شکن را روشن کرده و از هشتگ زدن بپرهیزید!

اهمیت «هشتگ سازی» چقدر است؟

حالا که تب هشتگ زدن و جبهه گیری موافقان و مخالفان طالبان در ماجرای پنجشیر داغ است، بد نیست به اهمیت «هشتگ» در فضای مجازی بپردازیم.

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، همین الان که شما دارید این متن را می‌خوانید عده‌ای از هموطنان‌مان جلوی سفارت پاکســـتان تجمع کرده‌اند تا به دخالت نظامی این کشور در ماجرای پنجشیر اعتراض کنند. در همین حال، عده‌ای دیگر از افغانستانی های مقیم ایران و بعضی مردم دیگر که طرفدار طالبان‌اند به بهانه اخباری که از ماجرای پنجشیر شنیده‌اند در بعضی کوچه پس کوچه‌های مشهد و شهرهای دیگر شیرینی پخش می کنند و پیروزی طالبان را تبریک می گویند.

در همین چند گزاره که در پاراگراف قبلی ذکر شـــد، چند نقطه ابهام وجود دارد که باید دقیق تر به آن نگاه کنیم. برای مثال تمام آن چه که ما مردم از ماجرای پنجشـــیر می‌دانیم را از رسانه‌ها شنیده‌ایم. رسانه‌هایی که بیشـــترشان از خارج از فضای افغانستان، این ماجرا را روایت می کنند. فضای ولایت پنجشیر این روزها امنیتی است و اختلالات تلفن و اینترنت، اجازه نمی‌دهد تصویر درستی از وضعیت این منطقه به بیرون مخابره شود. رسانه‌های خارجی هم بنای گزارش‌هایشان را گذاشـــته‌اند بر چند پیام صوتی گاه و بی‌گاه و چند توییت جسته و گریخته از شخص احمد مسعود.

نقطـــه ابهام دیگر خبرهای ضد و نقیضی اســـت که از این منطقه می‌رسد. طالبان خبر فتح پنجشیر را اعلام می‌کند و رسانه‌ها فوراً خبر سقوط ولایت پنجشیر را اعلام می کنند. ساعتی بعد احمد مســـعود از سلامتی و در امان بودن خود خبر می‌دهد و چند ساعت بعد رسانه‌های وابسته به مقاومت ملی از بازپس گیری پنجشـــیر به دست یاران مسعود حرف می‌زنند. اوضاع همین‌قدر غبارآلود است. حالا به نظر شما اگر به کسانی که الان جلوی سفارت پاکستان دخالت نظامی این کشور در افغانستان را فریاد می‌زنند، بگویم دولت پاکستان هر گونه دخالت نظامی در ماجرای پنجشیر را تکذیب کرده واکنش‌شان چیست؟

همان‌طور که شاید در مطلب اخیر «شبکه‌های اجتماعی» مجله مهر خوانده باشید، امروز هشتگ ترند تویپتر «پنجشیر» بود. یعنی کاربران شبکه‌های اجتماعی که از دل ما مردم عادی هستند و همین‌قدر از این فضای غبارآلود اطلاعات دارند، به بیشترین چیزی که در ۲۴ ساعت اخیر واکنش نشان داده‌اند، ماجرای پنجشیر بوده که هنوز اخبار رسانه‌های رسمی هم از این منطقه یکی دو ساعت پس از انتشار تکذیب می‌شوند!

حالا که ماجرای دیگری در گوشـــه دیگری از این دنیا اتفاق افتاده و دســـته‌بد هشتگ‌ســـازی‌های کاربران فضای مجازی شـــده بد نیست به این موضوع بپردازیم که واکنش کاربران عادی شـــبکه‌های اجتماعی چقدر می‌تواند بزرگ باشد و چقدر اهمیـــت دارد که مطالبی که در قبال آن‌ها واکنش نشان می‌دهیم موثق و تأیید شده باشند.

شـــاید اسم «میانمار» را در بین اخبار نسل کشی مسلمانان شـــنیده باشـــید و تصاویر و ویدئوهای دل‌خراشـــی هم از نسل کشی مسلمانان توسط بودائیان میانمار دیده باشید. شاید هم دل‌تان به درد آمده باشـــد و هشتگی هم برای حمایت از مسلمانان میانمار در شبکه‌های اجتماعی زده باشید اما بد نیست ماجرای شروع نسل کشی مسلمانان در میانمار را بدانید.

چند سال پیش یک خانم بودایی ادعا کرد توسط یک مغازه‌دار مســـلمان مورد آزار قرار گرفته است. این خبر به ســـرعت در فیسبوک منتشر شد و مردمی که خون‌شان به جوش آمده بود هشتگ به راه انداختند و خبر را دست به دست کردند. کم کم پای خبر به رسانه‌های رسمی هم رسید و تلویزیون‌های رســـمی دنیا خبر را بازتاب دادند و این شـــد شروع جنایت بودائیان میانمار علیه مسلمانان و ســـکوت حکومت این کشور که به راحتی می‌توانست به خبری که در رسانه‌های رسمی منتشر شده بود استناد کند.

مدتی گذشـــت. بسیاری از مسلمانان میانمار به فجیع‌ترین شکل‌ها کشته شدند و عده‌ای هم که ماندند مجبور به ترک دیار شـــدند و ساکن محیط‌هایی شـــدند که حداقلی‌ترین ملزومات زنده ماندن را هم نداشـــت. بعد از همه این اتفاقات مشخص شـــد خانمی که ادعای آزار کرده، دروغ گفته بوده است. به همین سادگی!